

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۱۹، پیاپی ۱۰۴، بهار و تابستان ۱۳۹۶

مسئله یگانگی یا تفاوت دو کتاب الجامع الكبير و الحاوی فی الطب محمد بن زکریا رازی: بررسی شواهد^۱

محمد تقوی^۲

مصطفی گوهری فخرآباد^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۲۱

تاریخ تصویب: ۹۶/۱۲/۷

چکیده

محمد بن زکریا رازی از جمله مشهورترین پزشکان تمدن اسلامی است که آراء و آثارش جایگاه مهمی در تاریخ پزشکی دارد. کتاب الحاوی فی الطب مشهورترین اثر وی در پزشکی، حاصل یادداشت‌های اوست که شاگردانش بعد از مرگ وی جمع‌آوری کردند. کتاب دیگری به نام الجامع الكبير به رازی منسوب است که به دست ما نرسیده و عده‌ای آن را همان الحاوی دانسته‌اند. اهمیت زیاد الحاوی در تاریخ پزشکی دوره اسلامی، بررسی یکسان یا متمایز بودن آن را با الجامع ضروری می‌سازد. ابن ابی‌اصیبیه و قفطی (از بین نویسندگان کلاسیک) و آلبرت اسکندر،

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2018.11237.1068

۲. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران؛ taqavi93@ut.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد؛ gohari-fa@um.ac.ir

مهرناز کاتوزیان و سامی حمارنه (از میان محققان جدید) قائل به تمایز این دو اثر رازی هستند. با وجود این، شواهد موجود در آثار رازی، آثار پزشکی دوران بعد از او و کتاب‌های فهارس و تراجم اسلامی عمدتاً دال بر یگانگی این دو اثر است. دیدگاه مبنی بر یگانگی این دو اثر را به دو دلیل می‌توان قابل قبول تر دانست: اول، کسانی که این دو کتاب را متمایز از هم دانسته‌اند، نسخه‌ای از الجامع را ندیده و بنا بر حدس و گمان، آن را اثری جدا از الحاوی پنداشته‌اند؛ دوم، اطلاعات آنلاین از نسخه‌های موجود مسمی به الجامع در کتابخانه بادلیان آکسفورد نشان می‌دهد که محتوای این نسخه‌ها بخشی از کتاب الحاوی است که به دست ما رسیده است. علاوه بر این، بعید به نظر می‌رسد که رازی با توجه به عمر نه چندان طولانی خود، موفق به نگارش دو اثر سترگ در علم پزشکی شده باشد.

واژه‌های کلیدی: محمد بن زکریا رازی، الحاوی فی الطب، الجامع

الکبیر، پزشکی دوره اسلامی، منبع‌شناسی تاریخی.

مقدمه

محمد بن زکریا رازی (د. ۳۱۳ق) از جمله مهم‌ترین و مشهورترین پزشکان دوره اسلامی است که آراء و آثار او تأثیر زیادی در پزشکی بعد از خود، حتی در مغرب‌زمین، داشت. او آثار متعددی در زمینه‌هایی چون پزشکی، فلسفه، کیمیا و... نوشته است که قدیمی‌ترین فهرست از این آثار به کوشش ابوریحان بیرونی (د. ۴۳۰ق) به طور مستقل گردآوری شده است. ابن‌ندیم (د. ح ۳۸۰ق) در الفهرست و ابن ابی‌اصیبه (د. ۶۱۶ق) در عیون الانباء فی طبقات الاطباء نیز فهرست جامعی از آثار رازی آورده‌اند. در پژوهش‌های جدید نیز محمود نجم‌آبادی (د. ۱۳۷۹ش) در کتاب مؤلفات و مصنفات رازی فهرستی از آثار این دانشمند را براساس کتاب‌های متقدم گردآوری، و همراه با توضیحاتی درباره هر اثر منتشر کرده است. آلبرت اسکندر نیز در مقاله «کتاب‌شناسی پزشکی رازی» نگاهی به آثار مختلف رازی در زمینه پزشکی داشته است.

در میان آثار رازی، درباره یکی بودن یا نبودن دو کتاب *الجامع و الحاوی فی الطب* اختلاف نظر است. عده‌ای از نویسندگان و محققان آنها را یک کتاب تلقی کرده‌اند (نجم‌آبادی، ۱۳۳۹: ۱۲؛ اذکایی، ۱۳۸۴: ۲۷۶-۲۷۷؛ محقق، ۱۳۵۲: ۵۷) و برخی نیز این دو اثر را کتاب‌هایی مجزا از هم می‌دانند (حمارنه، ۱۶؛ Goodman, 1995, s.v. "Al-Razi"; کاتوزیان، ۱۳۹۲: ذیل «الحاوی»؛ Iskandar, 1990: 374). دسته‌آخر استدلال متقنی برای دیدگاه خود ارائه نداده‌اند. در این میان، کارل بروکلمان (د. ۱۹۵۶) و فؤاد سزگین هر دو نظر مذکور را ارائه کرده‌اند (بروکلمان، ۱۹۷۵: ۲۷۴، ۲۷۳/۴؛ سزگین، ۱۳۷۹: ۳/۳۸۲). بنابراین با وجود جایگاه والای کتاب *الحاوی فی الطب* در پزشکی دوره اسلامی، درباره یگانگی یا دوگانگی آن با *الجامع*، پژوهشی مبتنی بر شواهد موجود صورت نگرفته است. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است تا با بررسی منابع مختلف، شواهد موافق و مخالف پیرامون این موضوع مورد ارزیابی قرار گیرد. آثار پزشکی رازی، کتاب‌های پزشکی دوران بعد از او و کتاب‌های فهرس اسلامی سه دسته از منابعی است که در پیشبرد اهداف این پژوهش راهگشا است.

الحاوی و الجامع: اثری واحد یا متفاوت؟

الحاوی برجسته‌ترین اثر پزشکی رازی است که یادداشت‌های شخصی او را دربر می‌گیرد. این کتاب بعد از مرگ رازی به فرمان ابن عمید (د. ۳۶۰ق)، وزیر آل بویه، توسط شماری از شاگردان رازی جمع‌آوری شد (ابن ابی‌اصیبه، ۲۰۰۱: ۲۶/۳، ۲۹). جنبه بالینی این کتاب که مبتنی بر مشاهده‌های شخصی رازی از بیماران در بیمارستان است اهمیت بسیاری دارد. رازی به‌عنوان نخستین پزشکی که تجربه و آزمایش را در علم پزشکی وارد کرد، برخلاف سایر پزشکان نگاهی انتقادی به آراء پزشکان قدیم همچون جالینوس و بقراط داشت و تنها آن دسته از آرای ایشان را که از طریق تجربه قابل اثبات بود می‌پذیرفت. رازی در مواقع لزوم ضمن بیان نظر خود، آراء پزشکان قبل خود را نقد می‌کرد (مثلاً نک: رازی، ۱۴۲۲: ۵۲/۱)، از این روست که او را با نام «مجرّب» می‌شناسند (نجم‌آبادی، ۱۳۱۸: ۳۱۱). *الحاوی* همچنین مجموعه‌ای غنی از آراء پزشکان یونانی و سریانی محسوب می‌شود (Iskandar, 1990:373) و بیش از نهمصد ماده گیاهی، جانوری، کانی و مفردات دارویی به همراه مبانی

نظری و عملی داروسازی در آن شرح داده شده است. اهمیت این کتاب در داروشناسی به دلیل ذکر نام‌های متعدد برای یک گیاه و شرح داروهای ناشناخته است (فرخنده‌زاده و گوهری، ۱۳۹۴: ۹). ظاهراً رازی از نخستین پزشکان دوره اسلامی بوده که به تفصیل درباره چگونگی بخیه‌زدن اعضای درونی بدن انسان مطالبی آورده (رازی، ۱۴۲۲: ۲۳۶/۱، ۲۶۴، ۲۵۳، ۳۴۱) و از آراء جالینوس در این زمینه بهره گرفته است (همان، ۱۳/۱۰۹-۱۱۲). همچنین اغلب مفاهیم شناخته‌شده نزد عرب‌ها در زمینه چشم‌پزشکی، داروشناسی و جراحی در *الحاوی* رازی آمده است (سزگین، ۳/۳۷۶). این کتاب به لحاظ تجویزهای روانکاوای رازی در درمان بیماری‌ها نیز حائز اهمیت بسیار است (تقوی، ۱۳۹۶: ۱۶۰-۱۶۳). در فهرست آثار رازی از کتاب دیگری نیز به نام *الجامع الکبیر/الجامع لحاصر لصناعه الطب* (ابن ابی‌اصیبه، ۲۰۰۱: ۳۷/۳؛ ابن ندیم، ۱۸۷۱: ۳۰۰؛ ابن جلجل، ۱۹۵۵: ۷۷) یاد شده است که غالباً همان کتاب *الحاوی* در نظر گرفته می‌شود. اما همان‌طور که گفته شد، قائلان به دوگانگی کتاب *الحاوی* و *الجامع استدلال* مشخصی را بر این ادعای خود ارائه نداده‌اند. شواهد احتمالی ایشان را به همراه دلایل نقض آن، می‌توان براساس منابع، ذیل سه دسته جای داد:

۱. **آثار محمد بن زکریای رازی:** اشاره‌هایی که رازی در دیگر آثارش به *الجامع* کرده است، از مهم‌ترین دلایل کسانی است که *الجامع* و *الحاوی* را دو کتاب مجزا دانسته‌اند (Iskandar, 1990: 374). از این دیدگاه، با توجه به اینکه *الحاوی فی الطب* مجموعه یادداشت‌هایی بود که بعد از مرگ رازی توسط برخی شاگردانش تدوین و گردآوری شد و این نام را به خود گرفت، اشاره به نام *الجامع* در دیگر آثار رازی می‌تواند احتمالی بر مجزا بودن این اثر باشد که در زمان حیات رازی شناخته شده بود. رازی در آثارش بارها به نام کتاب *الجامع الکبیر* اشاره کرده و خواننده را برای تفصیل بیشتر برخی مطالب بدان ارجاع می‌دهد. او در کتاب *السیرة الفلسفیه* ضمن اشاره به کتاب *الجامع* و اینکه پانزده سال را صرف نگارش این اثر کرده است، خود را پیشگام تصنیف چنین اثری می‌داند (رازی، ۱۳۴۳: ۱۰۹-۱۱۰). هرچند نمی‌توان زمان نگارش این اثر را از گفته رازی دریافت، اما اختصاص زمان طولانی برای نگارش آن، نشان از حجم قابل توجه این اثر دارد.

رازی در ابتدای کتاب *الطب الملوکی* نیز خواننده را برای تفصیل بیشتر مطالب، به *الجامع الکبیر* ارجاع می‌دهد: «و توسعنا فی ذلك غایة التوسع، و التأكيد فی الجامع الکبیر...» (رازی، ۱۴۳۰: ۱۰۰). صبحی محمود در مقدمه خود بر تصحیح *رسالة القولنج* رازی، بخشی از نسخه این رساله را که در کتابخانه بادلیان موجود است ذکر می‌کند: «قال ابن زکریا فی الجامع الکبیر ینبغی أن یشرب أولا دهنا کثیرا فی مرقه اسفیدباج بشحم الدجاج ... إلخ» (همو، ۱۴۰۳: مقدمه مصحح، ۲۳). این نقل قول از رازی، در چاپ *امروزی الحاوی* وجود ندارد، لذا باید دو احتمال را در نظر داشت: اول، رازی از کتاب دیگری به *جز الحاوی* نقل قول می‌کند؛ و دوم این که مطلب مورد نظر جزء یادداشت‌های رازی بوده که باقی نمانده است. رازی در کتاب *المرشد یا الفصول* و *رساله القربادین المختصر* نیز چندین بار به کتاب *الجامع* اشاره کرده است. یکی از این موارد، بحث درباره مزاج‌هاست (همو، ۱۴۱۶: ۲۴؛ Iskandar, 1975: 43) که در فهرست مطالب *الجامع* نیز از وجود چنین مبحثی یاد شده است (نک: ادامه مقاله). اهمیت این موضوع در آن است که علی بن عباس مجوسی (د. ۳۸۰ق) *الحاوی* را فاقد مباحثی درباره مزاج‌ها و اخلاط دانسته است (مجوسی اهوازی، ۱۲۹۴: ۱۳/۱). اما نکته جالب توجه، ذکر نام *الجامع* در کتاب *الحاوی* است. رازی در *الحاوی* دو بار از کتاب *الجامع* نام برده است: یکبار در بحث از بیماری‌های چشم (رازی، ۱۴۲۲: ۱۹۵/۲) و یکبار نیز ضمن بحث درباره تب‌ها (همان، ۵۱۷/۱۶). با این حال به نظر می‌رسد این مطالب در فرایند گردآوری یادداشت‌های رازی بعد از مرگش وارد کتاب *الحاوی* شده است و براساس آن نمی‌توان به نتیجه مشخصی رسید.

با وجود شواهد مذکور که تمایز *الجامع* و *الحاوی* از آنها چندان مستفاد نمی‌گردد، آثار رازی شواهد بیشتری دال بر یگانگی *الحاوی* و *الجامع* دارد. برخی مطالبی که رازی در آنها، خواننده را به *الجامع* ارجاع می‌دهد در *الحاوی* نیز هست و گاه جمله‌بندی و الفاظ این مطالب نیز یکسان است. برای مثال، در *الشکوک علی جالینوس* تفصیل برخی مطالب همچون بحث از عمل دیدن (رازی، ۱۳۷۲: ۵۶)، بیماری مالخولیا و دوار (همان، ۵۸)، استسقاء (همان، ۶۰) و سوء مزاج حاره (همان، ۶۱) به کتاب *الجامع* ارجاع داده شده است که این مباحث در چاپ *امروزی الحاوی* نیز وجود دارد (همو، ۱۴۲۲: ۱/۶۱-۸۶، ۲/۲۳۷-۲۴۴). رازی در کتاب *الفصول* نیز از مباحثی چون ترکیب داروها و صناعت طب (همو،

۱۴۱۶: ۶۳)، بیماری اعضای درونی بدن (علل اعضاء الباطنه) و مطالب مربوط به ادرار (همان: ۶۸، ۷۲؛ قس: همو، ۱۴۲۲: ۲۳۱/۱۰-۲۴۹، ۱۹۱/۱۹) به عنوان جزئی از *الجامع یاد کرده و خواننده را برای بحث درباره آنها به کتاب اخیر ارجاع می دهد. در عناوین باب های الجامع*، عنوان «فی علل اعضاء الباطنه» و «فی ترکیب الأدوية» دیده نمی شود، اما در چاپ امروزی کتاب *الحاوی*، جلد های چهارم، پنجم، هفتم، هشتم، نهم و دهم به بیماری های اعضای داخلی بدن اختصاص یافته است و در جلد بیست و دوم نیز مبحثی با عنوان «قوانین الصيدله» وجود دارد که مشتمل بر توصیه هایی درباره ترکیب داروهاست. بنابراین مشاهده می شود که بخش عمده ای از آنچه رازی به عنوان محتوای *الجامع معرفی می کند*، در کتاب *الحاوی* نیز موجود است. علاوه بر این، در فهرست آثار رازی از دو اثر به نام *الصيدنه* و مقاله ای درباره اوزان و مکابیل نام برده اند (بیرونی، ۱۳۶۶: ۷) که در فهرست کتاب *الجامع* نیز دو بخش به همین نام دیده می شود و در چاپ امروزی *الحاوی* نیز وجود دارد (نک: رازی، ۱۴۲۲: ۲۷/۲۲).

در مجموع باید گفت که بنا بر مطالبی که در آثار رازی آمده است، سخت بتوان تمایز این دو کتاب را اثبات کرد؛ چرا که این مطالب در زمره یادداشت های پراکنده ای بوده که توسط شاگردان رازی بعد از مرگش جمع آوری شد و احتمالاً رازی قصد تدوین این یادداشت ها را در قالب کتابی به نام *الجامع* داشت، اما موفق به تکمیل آن نشد. بعد از مرگ او که شاگردانش این یادداشت ها را گردآوری کردند، بدون آگاهی از این موضوع، اثر سترگ وی در پزشکی را *الحاوی فی الطب* نامیدند. بدیهی است که مقصود اصلی در نام گذاری این کتاب، که تأکید بر جامعیت آن است، از هر دو نام مذکور مستفاد می گردد و همین باعث پیدایی این فرض شده که رازی دو اثر جامع ولی متمایز از هم در علم پزشکی نوشته است.

۲. آثار پزشکی بعد از رازی: علاوه بر آثار رازی، در آثار پزشکان دوره های بعد نیز اشاره هایی به دو کتاب *الجامع و الحاوی* او شده است. علی بن عباس مجوسی اهوازی (د. ۳۸۳ق) از نخستین پزشکانی است که از کتاب *الحاوی* و محتوای آن بحث کرده است. او که در زمره پزشکان نسل بعد رازی است، در ابتدای کتاب *کامل الصناعه الطیبه* بدون

نام‌بردن از *الجامع*، توضیحاتی درباره *الحاوی و المنصوری فی الطب* بیان و به کاستی‌های *الحاوی* اشاره می‌کند (مجوسی اهوازی، ۱۲۹۴: ۱۳/۱-۱۴). با توجه به توضیحاتی که درباره محتوای *الجامع* گفته شد، اشاره علی بن عباس به پراکنندگی مطالب *الحاوی* و تقسیم‌نشدن آن به مقاله، باب و فصل (همانجا) نشان می‌دهد که نسخه در اختیار او، همان یادداشت‌های پراکنده رازی بود که بعد مرگش جمع‌آوری شد. به نظر می‌رسد اشاره نکردن علی بن عباس به کتاب *الجامع* یا از جهت آشنایی او با *الجامع* بود که با وجود کتاب *الحاوی و المنصوری* ضرورتی نمی‌دید از آن سخن بگوید و یا به احتمال قوی‌تر او *الجامع* را همان *الحاوی* می‌دانست. به هر حال تردیدی نیست که نسخه در اختیار مجوسی چندان هم کامل نبود؛ چرا که برخی از ایرادهای او بر کتاب *الحاوی* (مانند بحث‌نکردن از جراحی) با آنچه امروزه از این کتاب موجود است مطابقت ندارد.

ابن‌بیطار (د. ۶۴۶ق) در کتاب *الجامع المفردات الاغذیه و الادویه* از چندین اثر رازی بهره برده است و در این بین گاه به *الحاوی* و گاه به *الجامع الکبیر* استناد می‌کند (ابن‌بیطار، ۱۴۱۲: ۳/۳). احتمال دارد نسخه در اختیار ابن‌بیطار شامل بخش‌هایی از یادداشت‌های رازی بوده که در آن هر دو عنوان *الحاوی و الجامع* آمده است. بنابراین، نمی‌توان با قطعیت گفت آنچه در اختیار ابن‌بیطار بوده، دقیقاً دو اثر متفاوت از هم بوده است و احتمالاً نسخه در اختیار او عنوان «*الحاوی و هو الجامع الحاصر لصناعة الطب*» داشته است.

نفیس بن عوض کرمانی (د. ۸۹۰ق) در شرح خود بر کتاب *اسباب و علامات نجیب‌الدین سمرقندی* (د. ۶۱۹ق)، مطلبی را درباره تأثیر گردش ماه و خورشید در بروز بیماری «لقوه» از *الجامع الکبیر* رازی نقل کرده است (کرمانی، ۱۳۸۷ الف: ۱۹۶/۱-۱۹۷). با توجه به اینکه علی بن عباس *الحاوی* را فاقد مطلب پیرامون مسائل طبیعی در پزشکی می‌داند (مجوسی اهوازی، ۱۲۹۴: ۱۳/۱) و در کتاب *الحاوی* که امروزه باقی مانده نیز ذیل مبحث بیماری لقوه، اشاره‌ای به تأثیر اسباب طبیعی در ظهور این بیماری نشده است (رازی، ۱۴۲۲: ۸۷-۸۰/۱) و همچنین با عنایت به اینکه مبحث «طبیعیات در پزشکی» به عنوان یکی از بخش‌های کتاب *الجامع* در نظر گرفته شده است (نک: ادامه مقاله)، عده‌ای آن را دلیلی بر دوگانگی *الحاوی و الجامع* دانسته‌اند. با وجود این، نفیس کرمانی در کتاب *مفردات و معالجة الامراض (شرح الموجز)* به هنگام بحث از بیماری لقوه، مطلبی را از *الجامع الکبیر*

نقل می کند که مطلب موردنظر به همان شکل در *الحاوی* نیز ذیل باب مربوط به این بیماری آمده است (کرمانی، ۱۳۸۷: ب: ۲۷۷؛ قس: رازی، ۱۴۲۲: ۸۰/۱). بنابراین از طریق آثار پزشکی دوران بعد هم نمی توان تمایز *الجامع و الحاوی* را اثبات کرد و بالعکس، شواهد دال بر یگانگی این دو اثر بیشتر است.

۳. کتاب های طبقات و فهارس: در میان آثار مربوط به طبقات و فهارس نیز مطالبی در یگانگی یا دوگانگی *الجامع و الحاوی* ذکر شده است. ابن جلجل (د. ح ۳۸۴ق) در *طبقات الاطباء و الحكماء* بدون اشاره به *الحاوی*، از کتاب *الجامع* یاد کرده که مشتمل بر هفتاد مقاله بود (ابن جلجل، ۱۹۵۵: ۷۷). دقیقاً نمی توان مشخص کرد که آنچه ابن جلجل از آن یاد کرده است کتابی جز *الحاوی* بوده یا نه. سخن او مبنی بر اینکه *الجامع* شامل هفتاد مقاله است کار را مشکل تر می کند؛ زیرا جز قفطی (۱۳۲۶: ۱۷۸) که او هم احتمالاً از ابن جلجل نقل می کند، فرد دیگری از این تقسیم بندی یاد نکرده است. با فرض پذیرش اینکه کتابی غیر از *الحاوی* در اختیار ابن جلجل بود، اشاره نکردن او به *الحاوی* از جهت یکی دانستن این دو کتاب و یا به دلیل تدوین نشدن *الحاوی* در زمان اوست که با توجه به حضور ابن جلجل در غرب اسلام، هنوز آوازه آن بدانجا نرسیده بود.

هم زمان با ابن جلجل، ابن ندیم (د. ح ۳۸۰ق) هر دو عنوان *الجامع و الحاوی* را برای یک کتاب رازی ذکر کرده و آن را «*الحاوی و هو الجامع الحاضر لصناعة الطب*» نامیده است (ابن ندیم، ۱۸۷۱: ۳۰۰). با توجه به حضور ابن ندیم در بغداد، اشتغال وی به حرفه وراقی و اینکه به احتمال بسیار زیاد جمع آوری *الحاوی* نیز در بغداد انجام شد، چندان عجیب نیست که او برخلاف ابن جلجل، از عنوان «*الحاوی*» اطلاع داشته باشد. علاوه بر اینکه ابن ندیم *الجامع و الحاوی* را یک کتاب می دانست، دو احتمال دیگر را نیز نمی توان نادیده گرفت: اول اینکه ممکن است عبارت «*الجامع الحاضر لصناعة الطب*» صرفاً توصیفی برای اشاره به جامعیت داشتن کتاب *الحاوی* باشد و نه نام دیگر این کتاب. دوم آنکه احتمال دارد ابن ندیم کتاب *الجامع* را دیده و براساس شباهت دو واژه «*حاوی*» و «*جامع*»، که هر دو دال بر جامعیت دارد، آن را همان *الحاوی* به شمار آورده باشد. هرچند شاهی بر این ادعا وجود ندارد. فهرست ابن ندیم از *الجامع* را می توان با گزارش علی بن عباس مجوسی از محتوای

الحاوی و همچنین آنچه امروزه از الحاوی در دست داریم سنجید. مجوسی الحاوی را فاقد مباحثی درباره جراحی، وظایف الاعضاء و مباحث طبیعی نظیر علم استقسات و مزاج و اخلاط می‌داند (مجوسی اهوازی، ۱۲۹۴: ۱۴/۱) که در چاپ امروزی الحاوی نیز برخی بخش‌های مذکور دیده نمی‌شود. حال آن‌که بنا به گفته ابن‌ندیم، دو بخش پایانی الجامع به مسائل طبیعی در پزشکی اختصاص دارد. قسم اول الحاوی در کتاب ابن‌ندیم، جلد‌های متعددی از چاپ امروزی الحاوی را شامل می‌شود بخش چهارم و پنجم الحاوی در کتاب ابن‌ندیم، تقریباً معادل جلد ۲۰ و ۲۱ چاپ امروزی آن، و بخش ششم، هفتم و نهم الحاوی در الفهرست ابن‌ندیم، معادل جلد ۲۲ امروزی الحاوی است. هرچند در چاپ امروزی الحاوی، بخش مربوط به داروهای جایگزین، که ابن‌ندیم آن را قسم هشتم این کتاب دانسته، دیده نمی‌شود. با این حال، شباهت‌های میان فهرست ابن‌ندیم از مطالب الحاوی با چاپ امروزی این کتاب بسیار بیشتر است. ابوریحان بیرونی (د. ۴۲۷ق) نیز که برای نخستین بار فهرستی از آثار رازی را براساس موضوع تدوین کرد، الجامع الکبیر را همان الحاوی و مشتمل بر یادداشت‌های ناتمام رازی می‌داند (بیرونی، ۱۳۶۶: ۵). به طور دقیق نمی‌توان مشخص کرد که نسخه در اختیار ابوریحان، هر دو عنوان الجامع و الحاوی را داشته و یا او براساس گفته‌های دیگران، آن را معادل الحاوی دانسته است. با توجه به سخن ابن‌ندیم و بیرونی، تاریخ‌گذاری اختلاف در یکی بودن یا نبودن الجامع و الحاوی را می‌توان دست‌کم اواخر قرن چهارم و یا قرن پنجم دانست.

بنابر شواهد موجود، ابن ابی‌اصیبه در عیون الأنباء فی طبقات الأطباء نخستین کسی است که به طور جداگانه از کتاب الحاوی و الجامع یاد می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که دیدگاه او از مهم‌ترین دلایل محققان جدید در پذیرش دوگانگی کتاب الحاوی و الجامع است. او صفت «الجامع» یا «الحاصر» را برای الحاوی فی الطب به کار نبرده است و بدون اشاره به محتوای الحاوی، آن را مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کتاب رازی معرفی می‌کند که البته تحریر نهایی آن، کار رازی نیست (ابن ابی‌اصیبه، ۲۰۰۱: ۲۹/۳). او ضمن اشاره جداگانه به الجامع، آن را مشتمل بر تجربیات رازی و مطالبی از کتاب‌های پزشکی قدیم می‌داند (همان: ۳۷/۳). ابن ابی‌اصیبه الجامع را شامل ۱۲ بخش دانسته و معتقد است این تقسیم‌بندی ارتباطی به کتاب الحاوی ندارد (همان‌جا). اشاره صریح ابن ابی‌اصیبه به اینکه

الجامع را ندیده است (همان: ۳/۳۸) نشان می دهد که او دیدگاه خود را درباره این کتاب به نقل از فهرستی که ابن ندیم یا فردی دیگر از الجامع آورده، گرفته است و فقط در ادعای پیشینیان مبنی بر یکی بودن الحاوی و الجامع تردید کرده است. فهرست او و ابن ندیم از الجامع در موارد زیادی با یکدیگر اشتراک دارد، با این حال اختلافات معناداری در آنها به چشم می خورد:

فهرست کتاب الجامع		
فصل های کتاب	به نقل از ابن ندیم	به نقل از ابن ابی اصیبعه
القسم الاول	في علاج المرضى والأمراض.	في حفظ الصحة وعلاج الأمراض الوقية والجبر والعلاجات.
القسم الثاني	في حفظ الصحة.	في قوى الأغذية والأدوية وما يحتاج إليه من التدبير في الطب.
القسم الثالث	في الرئة والجبر والجراحات.	في الأدوية المركبة فيه ذكر ما يحتاج إليه منها على سبيل الأقربا الذين.
القسم الرابع	في قوى الأدوية والأغذية وجميع ما يحتاج اليه من المواد في الطب.	فيما يحتاج إليه من الطب في سحق الأدوية وإحراقها و تصعيداتها وغسلها واستخراج قواها وحفظها ومقدار بقاء قوة كل دواء منها (وأشبه ذلك).
القسم الخامس	في الأدوية المركبة	في صيدلة الطب، فيه صنعة الأدوية (وألوانها وطعومها و روائعها، و معادنها و جيدها و رديتها، و نحو ذلك من علل الصيدلة).
القسم السادس	في صنعة الطب.	في الأبدال، يذكر فيه ما ينوب عن كل دواء و غذاء إذا لم يوجد
القسم السابع	في صيدنة الطب الأدوية وألوانها و طعومها و روائعها.	في تفسير الأسماء والأوزان والمكاييل التي للعقاقير وتسمية الأعضاء والأدواء باليونانية والسريانية والفارسية والهندية و العربية على سبيل الكتب المسماة بسقماهي.
القسم الثامن	في الأبدال.	في التشريح و منافع الأعضاء.
القسم التاسع	في الأوزان والمكاييل.	في الأسباب الطبيعية من صناعة الطب، يبين فيه أسباب العلل بالأمر الطبيعي.
القسم العاشر	في التشريح و منافع الأعضاء.	في المدخل إلى صناعة الطب وهو مقالتان: الأولى منهما: في الأشياء الطبيعية، والثانية في أوائل الطب.
القسم الحادي عشر	في الأسباب الطبيعية من صناعة الطب.	جمل علاجات و صفات، و غير ذلك.
القسم الثاني عشر	في المدخل إلى صناعة الطب مقالتان في الأولى الأسماء الطبية و في الثانية أوائل الطب.	فيما استدرکه من كتب جالينوس، و لم يذكرها «حنين» و لا هي في فهرست جالينوس.

آنچه را ابن ابی‌اصیبه به عنوان باب اول الجامع ذکر کرده است، ابن‌ندیم جزء اول، دوم و سوم الجامع دانسته است. باب دوم و سوم الجامع در کتاب ابن ابی‌اصیبه مطابق با جزء چهارم و پنجم در الفهرست ابن‌ندیم، باب پنجم و هفتم الجامع در عیون الانباء مطابق جزء هفتم و نهم در الفهرست، باب هشتم الجامع در کتاب ابن ابی‌اصیبه منطبق با جزء دهم در کتاب ابن‌ندیم و باب نهم و دهم آنچه را ابن ابی‌اصیبه آورده، مطابق جزء ۱۱ و ۱۲ الجامع در الفهرست ابن‌ندیم است. احتمالاً جزء ششم الجامع با عنوان «فی صنعة الطب» در الفهرست، همان است که ابن ابی‌اصیبه با عنوانی طولانی‌تر، باب پنجم الجامع دانسته است. بخشی از عنوانی که ابن‌ندیم و ابن ابی‌اصیبه به عنوان جزء چهارم الجامع (و جمیع ما يحتاج الیه من المواد فی الطب) ذکر کرده‌اند با هم مرتبط است. ابن‌ندیم و بیرونی آنچه را ابن ابی‌اصیبه بخش دوازدهم الجامع می‌داند، اثری جداگانه و بلافاصله بعد از ذکر فصل‌های کتاب الجامع آورده‌اند (ابن‌ندیم، ۱۸۷۱: ۳۰۰؛ بیرونی، ۱۳۶۶: ۱۷). بنابراین ابن ابی‌اصیبه که ظاهراً مطالب الجامع را از ابن‌ندیم نقل می‌کند، دچار اشتباه شده و این بخش را قسمتی از کتاب الجامع دانسته است. قفطی (د. ۶۴۶ق) هم اگرچه فهرست مطالب الجامع را ذکر نکرده، اما به مانند ابن‌ندیم بخش اخیر را اثری جداگانه می‌داند (قفطی، ۱۳۲۶: ۱۸۰). او با اینکه ابتدا از کتاب الجامع یاد می‌کند، ولی الحاوی را «الجامع الحاصر لصناعة الطب» نیز می‌نامد (همان: ۱۷۸، ۱۸۰). لذا قفطی نیز - که تقریباً هم‌عصر با ابن ابی‌اصیبه بود - الجامع و الحاوی را دو کتاب می‌داند.

مطالب کتاب الحاوی بعد از مرگ رازی توسط شاگردانش جمع‌آوری شد و طبیعتاً خود رازی از چنین عنوانی بی‌اطلاع بود و مطالب الحاوی را به صورت یادداشت‌هایی شخصی در اختیار داشت. همچنین کسانی که به دوگانگی الجامع و الحاوی اشاره کرده‌اند شخصاً الجامع را ندیده‌اند. بخش‌های زیادی از فهرست مطالب الجامع نیز با آنچه امروزه از الحاوی موجود است مشابهت دارد. لذا باید گفت شواهدی که مطرح شد، ضعیف‌تر از آن است که براساس آن بتوان رأی به دوگانگی این دو کتاب داد. بر این اساس، این گفته براینست که الجامع کتاب مشخصی است که رازی برای استفاده پزشکان نوشت، اما الحاوی شامل یادداشت‌های او برای استفاده شخصی بوده است (نک: کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۹) قابل پذیرش نیست.

نسخه کتابخانه بادلیان آکسفورد

عده‌ای براساس نسخه‌ای دو جلدی که در کتابخانه بادلیان آکسفورد (MS. Bodl. Or.) 561) نگهداری می‌شود، *الجامع* را اثری جداگانه دانسته‌اند. اما بنابر اطلاعاتی که از آن به صورت آنلایین در دسترس است، نسخه مذکور عنوان *الحاوی فی الطب* دارد و شماره گذاری این نسخه دو جلدی براساس جلد‌های ۲۲ و ۲۳ کتاب *الحاوی فی الطب* چاپ حیدرآباد صورت گرفته است. بر همین اساس نمی‌توان این ادعا را که این نسخه‌ها بخشی از کتاب *الجامع* است پذیرفت. احتمالاً چاپ غیر هم‌زمان همه مجلدات کتاب *الحاوی* دلیل اشتباه افرادی چون اسکندر است که *الجامع و الحاوی* را دو کتاب مجزا دانسته‌اند. این چاپ نامنظم باعث شده تا اسکندر با دیدن نسخه‌ای که عنوان *الجامع* داشته و محتوایش در کتاب *الحاوی* که تا آن زمان چاپ شده بود وجود نداشت، رأی به دوگانگی این دو اثر دهد. نکته حائز اهمیت این است که عنوان جلد ۲۲ *الحاوی* در چاپ حیدرآباد (که یکی از این دو جلد موجود در کتابخانه بادلیان است)، عنوان یکی از بخش‌های کتاب *الجامع* نیز هست. با این حال، نظر نهایی درباره اینکه این دو جلد با مجلدات امروزی کتاب *الحاوی* تفاوت دارد یا خیر، منوط به بررسی متن این نسخه‌هاست.

علاوه بر اینها، چندان پذیرفتنی نیست که رازی توانسته باشد در طول عمر نه چندان طولانی خود، دو اثر جامع در پزشکی نوشته باشد. به ویژه که چنین بر نمی‌آید که این دو اثر تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در محتوا با یکدیگر داشته باشد. آنچه محتمل است، قصد رازی برای تدوین یادداشت‌های پراکنده خود در قالب کتابی به نام *الجامع* است که از لابه‌لای آثار دیگر او به نام این اثر دسترسی داریم، ولی احتمالاً به دلیل فراهم نشدن فرصت این کار، شاگردانش بعد از مرگ استادشان به این یادداشت‌ها شکل نهایی بخشیدند و کتاب تهیه شده را *الحاوی فی الطب* نامیدند. این تفاوت در انتخاب نام کتاب منجر به بروز اختلافاتی بین فهرست‌نویسان و پزشکان دوران بعد گشت.

نتیجه‌گیری

محمد بن زکریا رازی از جمله مهم‌ترین پزشکان دوره اسلامی است که کتاب *الحاوی فی الطب* او جایگاه والایی در پزشکی این دوره دارد. شباهت نام این کتاب با اثر دیگر او که

با نام *الجامع* در ذیل آثارش نام برده شده است، سبب گشته تا عده‌ای این دو را آثاری متمایز و جدا از هم محسوب کنند. با وجود برخی موارد که ظاهراً نشان از مستقل بودن دو کتاب *الحاوی* و *الجامع* دارد، شواهد مبتنی بر یگانگی این دو اثر بیشتر قابل پذیرش است. با توجه به سخن رازی مبنی بر اینکه پانزده سال را صرف نگارش *الجامع* کرده است، چندان پذیرفتنی نیست که او توانسته باشد در طول عمر نه چندان طولانی خود، دو اثر سترگ در پزشکی نوشته باشد. در بین آثار دیگر رازی در زمینه پزشکی و همچنین آثار پزشکان دوران بعد از او نیز شاهد متقنی برای متمایز بودن کتاب *الجامع* و *الحاوی* وجود ندارد. همچنین در قدیمی‌ترین فهرست‌ها از آثار رازی که توسط ابن ندیم، ابن جلجل و ابوریحان بیرونی تهیه شده است، این دو کتاب به عنوان اثری واحد در نظر گرفته شده و «*الجامع*» به عنوان صفتی برای کتاب *الحاوی* به کار رفته است. تنها در قرن هفتم هجری، ابن ابی‌اصیبعه و قفطی *الجامع* را اثری متفاوت از *الحاوی* معرفی می‌کنند؛ هرچند آنها نیز نسخه‌ای از *الجامع* را ندیده‌اند. اطلاعات آنلاین درباره نسخه‌های موجود در کتابخانه بادلیان آکسفورد نیز ثابت می‌کند که این نسخه همانی است که امروزه به عنوان بخشی از کتاب *الحاوی* برجای مانده است. ظاهراً چاپ نامنظم جلدهای مختلف کتاب *الحاوی* باعث شده تا عده‌ای آنچه را با عنوان *الجامع* موجود است، اثری متفاوت از *الحاوی* تلقی کنند. آنچه محتمل است، قصد رازی برای تدوین یادداشت‌های پراکنده خود در قالب کتابی به نام *الجامع* است که احتمالاً به دلیل فراهم‌نشدن فرصت این کار، تدوین نهایی آنها از سوی شاگردانش و پس از مرگ وی صورت گرفت و با اندکی تفاوت نسبت به آنچه مدنظر رازی بود، *الحاوی فی الطب* نامیده شد. نبودن برخی از مطالب منسوب به کتاب *الجامع* در چاپ امروزی *الحاوی* احتمالاً ناشی از پراکندگی این یادداشت‌هاست.

منابع و مأخذ

- ابن ابی‌اصیبعه (۲۰۰۱). *عیون الأنباء فی طبقات الأطباء*. تحقیق عامر نجار. قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- ابن بیطار (۱۴۱۲). *الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه*. بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۲ق.

- ابن جلجل، **طبقات الأطباء و الحكماء**. تحقیق فؤاد سید. قاهره: مطبعة المعهد العلمی الفرتسی. ۱۹۵۵م.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۸۷۱). **الفهرست**. به کوشش گوستاو فلوگل. لایپزیک.
- اذکابی، پرویز (۱۳۸۴). **حکیم رازی**. تهران: طرح نو.
- امین، حسن (۱۴۱۸ق). **مستدرکات اعیان الشیعه**. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بروکلیمان، کارل (۱۹۷۵). **تاریخ الادبی العربی**. ترجمه عبدالحلم نجار. قاهره: دارالمعارف.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۶). **فهرست کتاب های رازی**. تصحیح و ترجمه مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.
- تقوی، محمد (۱۳۹۶). «آراء محمد بن زکریای رازی در علم روان شناسی؛ با تأکید بر کتاب الحاوی فی الطب». در **مجموعه مقالات همایش بین المللی نقش و جایگاه عربی نویسان و عربی سرایان ایرانی در رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی**. شیراز: دانشگاه شیراز.
- حمارنه، سامی. «الرازی الطیب أبوبکر محمدبن زکریا الرازی». **التراث العربی**. شماره ۱۴۱۹.۷.
- رازی، محمدبن زکریا (۱۴۱۲ق). **تقاسیم العلیل**. به کوشش صبحی محمود حمامی. حلب: منشورات جامعه حلب معهد التراث العلمی العربی.
- _____ (۱۴۲۲ق). **الحاوی فی الطب**. تحقیق هیثم خلیفه طعیمی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۴۳ش). **السیرة الفلسفیه (به انضمام شرح احوال و آثار رازی به قلم مهدی محقق)**. تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- _____ (۱۳۷۲ش). **الشکوک علی جالینوس**. تحقیق مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۴۳۰ق). **طب الملوک**. تحقیق محمد یاسر زکور. بیروت: دار المنهاج.
- _____ (۱۴۰۳ق). **القولنج**. تحقیق صبحی محمود حمامی. حلب: منشورات جامعه حلب معهد التراث العلمی العربی.

- _____ (۱۴۱۶ق). **الفصول أو المرشده**. تحقیق بیر زکی اسکندر. قاهره: معهد المخطوطات بجامعة الدول العربية.
- سزگین، فؤاد (۱۳۷۹ش). **تاریخ تگارش‌های عربی**. گروه مترجمان (زیر نظر احمدرضا رحیمی ریشه). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فرخنده‌زاده، محبوبه و مصطفی گوهری فخرآباد. «داروسازی محمد بن زکریای رازی». **تاریخ و تمدن اسلامی**. ش ۲۱. بهار و تابستان ۱۳۹۴.
- قفطی، علی بن یوسف (۱۳۲۶ق). **إخبار العلماء بأخبار الحكماء**. تصحیح محمدامین خانجی مکتبی. قاهره: دارالکتب الخدیویه.
- کاتوزیان صفدی، مهرناز. «الحاوی». **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی**. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز نشر دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ۱۳۹۲.
- کرمانی، نفیس بن عوض (۱۳۸۷ش). **شرح الاسباب و العلامات**. قم: جلال‌الدین.
- _____ (۱۳۸۷ش). **مفردات و معالجة الامراض (شرح الموجز)**. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- مجوسی اهوازی، علی بن عباس (۱۲۹۴ق). **کامل الصناعة الطیبه**. بولاق: المکتبۃ الكبرى.
- محقق، مهدی (۱۳۵۲ش). **فیلسوف ری**. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی تهران و مک گیل.
- محمود حمامی، صبحی، (۱۴۰۳ق). مقدمه بر **القولنج** رازی. حلب: منشورات جامعه حلب معهد التراث العلمی العربی.
- نجم‌آبادی، محمود (۱۳۱۸ش). **شرح حال و مقام محمد زکریای رازی**. بی‌جا: چاپخانه علمی.
- _____ (۱۳۳۹ش). **مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمدبن زکریای رازی**. تهران: دانشگاه تهران.
- Goodman, L.E. (1995), "Al-Razi", *Encyclopedia of Islam*, Edition 2, Leiden: Brill. -
- Iskandar, Z. A. (1975), "The Medical Bibliography of al-Razi", in *Essays on Islamic philosophy and science*, ed. G. F. Hourani, State University of New York Press.

۷۰ / مسئلهٔ یگانگی یا تفاوت دو کتاب الجامع الكبير و الحاوی فی الطب محمد بن زکریا رازی: بررسی شواهد

- Idem (1990), "Al-Razi", *in Religion, Learning and Science in the 'Abbasid Period*, Edited by M. J. L. Young, J. D. Latham, R. B. *Serjeant, UK*: Cambridge Press.
- <http://www.fihrist.org.uk/profile/work/989884dd-fdb8-4b58-bf195f8a30dbbca8>.
- <http://www.mirasmaktoob.ir/fa/news/3769>

The issue of similarity or difference between Al-Hāwi Fi al-Tibb and Al-Jāmi' Al-Kabir of Muhammad ibn Zakariya Al-Razi: An Evidence based study¹

Mohammad Taghavi²

Mostafa Gohari Fakhrabad³

Received: 11/8/2016

Accepted: 26/2/2018

Abstract

Mohammad ibn Zakariya Al- Razi is one of the most famous Physicians in Islamic Civilization, whose opinions and works have played an important role in the History of medicine. Al- Hawi fi Al-Tibb is his most famous work that sometimes has been considered similar to Al- Jami' Al-Kabir. The importance of Al-Hawi in History of Medicine Studies has demanded studying the similarities and differences between Al-Jami' Al-Kabir. Ibn Abi Usayba'a and Al-Qiftī (Among Classic Writers) and Albert Iskandar, Mehrnaz Katuzian and Sami Hamarneh (Among Recent writers), distinguish between these two books. Nevertheless however, the study of other Al- Razi's works, other works of Islamic medicine and the Islamic Bibliographic books shows that we can't demonstrate exactly that Al- Hawi and Al- Jami are an identical work, although we have obtained more evidence proving their similarity.. This Article

¹. DOI: 10.22051/hph.2018.11237.1068

². PhD Candidate, Department of History, University Tehran. m.taqavi93@ut.ac.ir

³. Associated Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad. gohari-fa@um.ac.ir

Biannual Journal of Historical Perspective & Historiography Alzahra University
Vol.27, No.19, 2017
<http://hph.alzahra.ac.ir/>

attempts to show there are some differences and similarities between these two works based on evidences.

Keywords: Mohammad ibn Zakariya Al-Razi, Al-Hāwi Fi al-Tibb, Al-Jāmi' Al-Kabir, Islamic Medicine, Historical Source.